

## نقش اقتصاد در ایجاد تعارض در مدینه و چگونگی برخورد پیامبر(ص) با آن

حسین قاضی خانی\*

### چکیده

تنش میان انسان‌ها، همواره ذهن مدیران جوامع بشری را به خود معطوف داشته است. اقتصاد از جمله مهم‌ترین علت‌های بستر ساز تعارض در جامعه به شمار می‌آید. جامعه نبوی نیز از این امر جدا نبود. پیامبر(ص)، به عنوان اولین حاکم جامعه اسلامی، هم با این موضوع مواجه بودند و هم به آن توجه داشتند. اما به این موضوع، در پژوهش‌های علمی توجه جدی صورت نگرفته، لذا این سؤال مطرح است که اقتصاد، چه نقشی در ایجاد تعارض در مدینه داشته و پیامبر(ص) چگونه با آن مواجه شده‌اند. (سؤال) در آغاز تأسیس حکومت اسلامی، تنش‌های برآمده از مسائل اقتصادی بیش‌تر رخ نمود و پیامبر(ص) با اتکا به خداوند و با شناخت جامعه، کوشیدند با عرضه راهنمایی‌های ضروری، از بروز تعارض بر سر مسائل اقتصادی جلوگیری نمایند و تعارض‌های پدید آمده را برطرف کنند. (فرضیه) برجسته‌سازی شیوه‌های تنش‌زدایی پیامبر اکرم(ص) در عرصه تضادهای اقتصادی و بهره‌گیری از آن برای جوامع اقتصادزده مسلمان امروزی، بسیار ضروری است. (هدف) این مقاله، می‌کوشد تا با جمع‌آوری اطلاعات تاریخی متناسب با موضوع و سپس تحلیل آن‌ها، راهی برای دستیابی به پاسخ سؤال بیابد. (روش) نقش بنیادین اقتصاد در حکومت اسلامی و توانایی اقتصاد به تعمیم تعارضات اقتصادی به عرصه‌های اجتماعی، از نتایج این مقاله است. (یافته)

### واژگان کلیدی

اقتصاد، پیامبر(ص)، مدینه، تعارض، اسلام.

## مقدمه

جامعه انسانی هیچ‌گاه از اختلاف و تنش خالی نبوده است. عوامل بسترساز تعارض فراوانند. (فلاح‌زاده و قاضی‌خانی، ۱۳۹۱: ۲۵-۵۳) که از جمله آنان می‌توان به اقتصاد اشاره کرد. زندگی آدمی، پیوند وثیقی با اقتصاد دارد، از این رو، زندگی مناسب در ابعاد اقتصادی، همواره از آرزوهای انسان‌ها بوده است؛ آرزوهایی که انسان برای رسیدن به آن، همواره کوشیده و لذا، به هنگام کار و تلاش اقتصادی، کسب درآمد بیش‌تر، امری است که ذهن بشر را درگیر خویش می‌کند. هم‌چنین نمی‌توان انکار کرد که این نگرش، چه اختلاف‌هایی را در جامعه برنمی‌انگیزد؛ اختلاف‌هایی که بسترساز تنش و تعارض در جامعه خواهند بود و چه بسا، درگیری‌هایی را در پی خواهند داشت. وجود تعارض در جامعه، اندیشه‌وران علم مدیریت را بر آن داشته است تا به چگونگی برخورد با آن بیندیشند و در صدد ارائه راهکار برای مدیریت این مسأله برآیند. (جوهج و کانلیف، ۱۳۸۹؛ رایینز، ۱۳۶۸؛ رضاییان، ۱۳۸۷)

این نوشتار، تلاش می‌کند با نگاهی به اولین جامعه اسلامی، نقش اقتصاد را در بسترسازی بروز اختلاف بررسی نماید؛ آن‌گاه با بازخوانی اقدامات پیامبر(ص)، می‌کوشد چگونگی برخورد آن حضرت را با این مسأله، به تصویر کشد تا بتواند الگویی مناسب، فراروی مدیران جوامع اسلامی در مواجهه با مسائل مشابه قرار دهد.

## بررسی چند واژه

با توجه به این که برخی واژگان در این نوشتار برای درک بهتر مطالب نقشی اساسی دارند، لازم است قبل از ورود به بحث، به توضیح و بررسی آن‌ها همت گماشته شود:

### ۱. اقتصاد

علم اقتصاد که هر روزه آن را می‌شنویم، «راه انتخاب بهتر برای به‌کارگیری منابع و امکانات» (پژویان، ۱۳۸۹: ۴) است. به زبان گویاتر، علم اقتصاد، انجام دادن یک سری فعالیت‌ها در جهت رسیدن به بهترین منابع و بیش‌ترین استفاده با کم‌ترین هزینه است. «علم اقتصاد، از شناخت پدیده‌های اقتصادی و آگاهی یافتن از روابط بین پدیده‌های اقتصادی سخن می‌گوید». (روزبهان، ۱۳۸۷: ۱۰) در تعریفی دیگر: «مطالعه روش انتخاب و استفاده انسان و جامعه از منابعی که طبیعت و نسل‌های گذشته در اختیار بشر قرار داده

است» را علم اقتصاد نامیده‌اند. (پژویان، ۱۳۸۹: ۸)

در این علم از اقتصاد خرد و کلان سخن به میان می‌آید. «در اقتصاد خرد، تصمیم‌های اقتصادی افراد و خانواده‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. انتخاب یک بنگاه در مورد این که چه تولید کند و چه قیمتی را برای تولیدات خود درخواست نماید؛ از چه منابعی در تولید و به چه مقدار بهره‌گیرد یا یک خانوار چه کالایی را خریداری کند و چه مقدار از آن کالا خریداری نماید، موضوع اقتصاد خرد است. سؤال عمده دیگری که با نظریه‌های اقتصاد خرد به آن پاسخ داده می‌شود، این است که چه کسی کالاها و خدمات تولید شده را دریافت می‌کند؟ خانوارهایی که درآمد و ثروت بیش‌تر دارند، بیش‌ترین کالاها و خدمات را دریافت می‌کنند، اما چه عواملی چنین توزیع درآمدی را تعیین می‌کنند؟ چرا فقر وجود دارد؟ چه کسی فقیر است؟ چرا دستمزد در برخی مشاغل بیش‌تر می‌باشد؟» (پژویان، ۱۳۸۵: ۱۰)

اما اقتصاد کلان همه چیز را جمع‌بندی می‌کند و به کل اقتصاد توجه دارد: «اقتصاد کلان، مطالعه و تجزیه و تحلیل پدیده‌ها و متغیرهای کلی اقتصادی، بررسی روابط بین آن‌ها به منظور پیش‌بینی و اتخاذ سیاست‌های مناسب در آینده و تصحیح سیاست‌ها و تصمیمات اقتصادی گذشته است.» (روزبهان، ۱۳۸۷: ۱۰) خلاصه می‌توان گفت: اقتصاد خرد، فعالیت‌های اقتصادی افراد را شامل می‌شود و در مقابل آن، اقتصاد کلان قرار دارد که مجموع اقتصاد جامعه را در نظر دارد.

در این نوشتار، از واژه اقتصاد معنای دانشگاهی علم اقتصاد موردنظر نیست، بلکه به اقتصاد به معنای رایج آن در میان مردم نظر دارد؛ معنایی که در سرو سامان دادن امور مادی زندگی روزمره نهفته است. در این معنا، مهم آن است که هر فرد بتواند مخارج زندگی خود از طریق فعالیت‌های اقتصادی و کسب درآمد تأمین نماید.

## ۲. تعارض

با شنیدن واژه تعارض، اغلب دعوا و زدو خورد به ذهن می‌آید، در صورتی که این تجسم، بارزترین نمود خصمانه تعارض است. با کمی دقت در امور روزمره زندگی، به انواع ملایم‌تر تعارض مانند انتقادات، جدال‌ها و... برمی‌خوریم. به هر روی، از این واژه، تعاریف زیادی شده است: تعارض را وضعیتی اجتماعی دانسته‌اند که در آن دو یا چند نفر، درباره موضوع‌های اساسی مربوط به سازمان با هم توافق ندارند یا نسبت به یک‌دیگر قدری

خصوصیت احساسی نشان می‌دهند. (رضاییان، ۱۳۸۷: ۶) برخی دیگر تعارض را مخالفت و یا کش‌مکش میان دو یا چند نفر یا گروه تعریف کرده‌اند. (رضاییان، ۱۳۸۷: ۶)

تعارض را به صورت جامع، می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «فرآیندی که بدین‌گونه آغاز می‌شود که یک دسته یا گروه، چنین می‌پندارند که گروه دیگر، اثرات منفی برجای می‌گذارد یا قرار است اثرات منفی به‌بار آورد؛ البته در مورد همان چیزهایی که مورد توجه طرف یا گروه اول است». (رایینز، ۱۳۸۹، ج ۳: ۷۸۴)

این تعاریف با تکیه بر سازمان انجام گرفته است. از آن‌جا که بحث ما در اجتماع به عنوان نهادی فراتر از سازمان انجام می‌گیرد، این مقاله، از تعارض، اختلاف‌هایی را در میان افراد جامعه در نظر می‌گیرد که پتانسیل بروز تنش و درگیری را داراست و لذا هر نوع اختلافی منظور نیست. البته در این پژوهش، واژه تنش مترادف با تعارض انگاشته شده است.

### ۳. زمینه‌های بروز تنش در جامعه

تنش‌های پدیدآمده در جامعه، حاصل تضادها، اختلاف‌ها و تعارض‌هاست. پدید آمدن تضاد، نیازمند بسترهای مناسب است. بسترهای بروز تضاد و اختلاف در جامعه را می‌توان از منظری این‌گونه تقسیم بندی نمود:

الف) متغیرها و عوامل ساختاری (متغیرهای ساختاری): این دسته، عواملی هستند که از پایه‌های جامعه نشأت می‌گیرند. برای شناسایی بسترهای بروز اختلاف و پدیدآمدن تنش در هر اجتماع، شناخت ساختار آن جامعه، اجزای تشکیل‌دهنده و عناصر مقوم آن اجزاء، اهمیت ویژه‌ای دارد. جغرافیا، اقتصاد، شکل حکومت، مهاجرت، میزان جمعیت، تنوع قومی و مذهبی و غیره جزء این دسته متغیرها شمرده شده‌اند. (فلاح‌زاده و قاضی‌خانی، ۱۳۹۱: ۳۲-۳۹)

ب) متغیرها و عوامل انسانی (متغیرهای انسانی): بدون در نظر گرفتن وجود انسان، جامعه معنا نمی‌یابد. عشق و نفرت، غم و شادی، مهر و خشم و... در وجود انسان به‌هم آمیخته است. بسیاری از تعارض‌ها، حاصل این متغیرهای انسانی است. از جمله عوامل انسانی که می‌توانستند زمینه‌ساز بروز تنش در جامعه باشند، به‌گونه‌های شخصیتی، عواطف، آرزوها، ارتباطات و ... می‌توان اشاره کرد. (فلاح‌زاده و قاضی‌خانی، ۱۳۹۱: ۴۲-۴۸) هر چند اقتصاد در زمره متغیرهای ساختاری شمرده شده، به نظر می‌رسد متغیرهای

انسانی نیز در آن به ایفای نقش می‌پردازند.

### نگاهی به نقش عامل اقتصاد در بسترسازی تعارض در مدینه

اقتصاد، یکی از عوامل بروز تعارض در جامعه می‌تواند تلقی گردد. جامعه نبوی هم از این امر مستثنا نبود. از جمله بسترهایی که می‌توانست شرایط بروز تنش اقتصادی را در آن جامعه فراهم آورد، به این موارد می‌توان اشاره کرد:

۱. زندگی در جزیره العرب، به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص منطقه، شیوه خود را می‌طلبید. مردمان این سرزمین خشک و بیابانی، به مقتضای آب و هوای نامساعد سکونتگاهشان، بیش‌تر به بادیه‌نشینی روزگار می‌گذرانیدند و یک‌جانشینی تنها به چند منطقه خاص محدود می‌شد. یک‌جانشینان از طریق تجارت، زراعت و پرورش چارپایان امرار معاش می‌کردند و اهل بادیه، با شیر و گوشت شترانشان روزگار می‌گذرانیدند. (عجاج کرمی، ۱۴۲۷: ۲۹)

از آن‌جا که تأمین معاش با تکیه بر داشته‌های کشاورزی و دام‌داری جزیره‌العرب ممکن نبود، اعراب را بر آن می‌داشت که به فکر تجارت با دیگر مردمان باشند. این بار موقعیت جغرافیایی منطقه که میان شام، حبشه و یمن قرار گرفته بود به کمک ایشان آمد و تجارت را در این سرزمین رونق بخشید. با درایت هاشم (جد پیامبر (ص))، سفرهای تجاری در تابستان و زمستان به شام و یمن (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱: ۵۹) اعتباری ویژه به تجارت در حجاز بخشید و تجارت، عمده منبع تأمین معاش در منطقه خاصه شهر مکه به شمار می‌آمد.

تنها در اطراف شهرهایی مانند یثرب و طایف، به دلیل اوضاع ویژه، امکان کشاورزی وجود داشت. قرار گرفتن مدینه در میان کوه‌ها و زمین‌های آتش‌فشانی، باعث شده بود این منطقه دارای خاک مناسب برای کشاورزی باشد. از سوی دیگر، با جمع شدن آب در حوضچه‌های آن، آب لازم برای کشاورزی فراهم می‌شد. رودخانه‌های فصلی که در زمان بارندگی و جاری شدن سیلاب‌ها پدید می‌آمد نیز در تأمین آب کشاورزی مؤثر می‌افتاد. بدین سبب مدینه، شهری کشاورزی شناخته می‌شد که بیش‌تر ساکنان آن هم به زراعت و باغداری مشغول بودند.

طبق آن‌چه از منابع برمی‌آید، در واقع مدینه از دهکده‌های کوچک به هم پیوسته شکل گرفته بود و در هر دهکده طایفه‌ای سکونت داشت. (سمهودی، ۲۰۰۶، ج ۱: ۱۵۱-۱۵۲)

ساکنان مدینه، بر خلاف مکیان که بیش تر از راه تجارت روزگار می گذرانیدند، به زراعت مشغول بودند و شغل اغلب آن ها تولید خرما بود. (ابن الحسین، ۱۴۰۸: ۲۹؛ یعقوبی، ۱۴۲۲: ۱۵) البته صناعی مانند آهنگری، نجاری و زرگری هم در مدینه رواج داشته که بیش تر در اختیار یهودیان بوده است. برای مثال منابع، مردم «بنی قینقاع» را صنعت گر و زرگر معرفی کرده اند. (ابن سعد، ۱۴۱۸، ج ۲: ۲۱) آن ها در محله خود بازاری داشتند که در آن به امر تجارت مشغول بودند (ابن هشام، بی تا، ج ۲: ۴۷) ولی این سخن بدان معنا نیست که در مدینه از تجارت خبری نبود؛ زیرا نام برخی از بازارهای آن در منابع آمده است؛ (سمهودی، ۲۰۰۶، ج ۲: ۲۵۶-۲۵۷) اما پایه درآمد اهل مدینه، بر نخل های آن استوار بود به گونه ای که بنا بر گفته یعقوبی، نخل ها یکی از منابع مهم تأمین خراج این منطقه به شمار می آمدند. (یعقوبی، ۱۴۲۲: ۱۵)

باید به این نکته توجه داشت، در مناطقی که اقتصاد آن به زراعت و باغداری متکی است، به دلیل محدودیت منابع، با رشد جمعیت امکان بروز تنش بر سر دستیابی به منابع اقتصادی دور از ذهن نیست.

۲. مهاجرت پدیده ای است که خواه ناخواه پیامدهای اجتماعی فراوانی را به دنبال خواهد داشت، خاصه آن که این مهاجرت به صورت گروهی انجام گیرد. آوردن آداب و رسوم جدید، تفاوت در سبک زندگی، عواطف نشأت گرفته از دوری خانه و خاندان، تنوع فرهنگ و رسوم رفتاری و به ویژه درخواست اشتغال برای تأمین معاش زندگی، از پیامدهای این پدیده اجتماعی است.

با اسلام آوردن یشربیان و پدید آمدن موقعیت مناسب برای حضور مسلمانان مکه در یشرب، پیامبر(ص) به مسلمانان اجازه دادند به مدینه هجرت کنند. با صدور این فرمان، مسلمانان مکه، تک تک یا دسته جمعی به سوی مدینه رهسپار گردیدند. اینان در صورت داشتن اقوام در مدینه میهمان آنان می گردیدند. (ذهبی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۴۰۰) وگرنه به طور موقت در منزل برخی از انصار سکنی می گزیدند. (جزری، ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۰۶) با آمدن پیامبر(ص) به مدینه، این شهر به دارالهجره مسلمانان تبدیل گردید و مسلمانان برای درک حضور پیامبر(ص) و بهره بردن از فضای مناسب دینی این شهر، به سوی آن روان می شدند. این امر تبعاتی در پی داشت که مهم ترین آن بروز مشکلات اقتصادی بود. مهاجران که عموماً تاجریشه بودند، با رها کردن اموال خود در مکه، به مدینه آمده بودند در حالی که پایه اقتصاد مدینه بر کشاورزی متکی بود. اقتصاد کشاورزی نیز به زمین

وابسته است، لذا امکانات اقتصادی مدینه در حدی نبود که جواب‌گوی نیروی جویای درآمد باشد. از طرفی در آغاز امکان تجارت به دلایل مختلف برای مهاجران میسر نبود، در نتیجه تأمین مخارج زندگی با مشکل مواجه شده بود.

با حضور مهاجران در مدینه، اوضاع سخت اقتصادی خود را نشان داد به گونه‌ای که برخی از مسلمانان از تأمین قوت روزانه خود در تنگنا بودند و حتی حکومت اسلامی نیز نمی‌توانست آن گونه که شایسته است به ایشان کمک نماید. (ابن سعد، ۱۴۱۸، ج ۱: ۱۹۶) شکل‌گیری مکانی با عنوان صفه، در کنار مسجد نبوی که محل اسکان افراد بی‌پناه و تهی‌دست بود، از وضعیت نامساعد اقتصادی اولیه مسلمانان حکایت داشت. (ابن سعد، ۱۴۱۸، ج ۱: ۱۹۶؛ ذهبی ۱۴۰۹، ج ۱: ۴۰۰) اختلاف بر سر تقسیم غنایم جنگ بدر (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱: ۶۴۱ - ۶۴۲) و جنگ حنین (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۹۴۴ - ۹۴۷) نمونه‌هایی از تنش‌های برآمده از اوضاع اقتصادی است. هنگام تقسیم غنایم جنگ حنین، تازه مسلمانان قریش بهره فراوان نصیبشان شد ولی به انصار سهمی تعلق نگرفت. انصار از این اقدام ناراحت شدند و زبان به اعتراض گشودند و حتی پیامبر (ص) را به جانب‌داری از قوم خودش متهم کردند. با توجه به نقش عامل اقتصاد در بسترسازی تعارض و اختلاف، لازم بود پیامبر (ص) توجه خاصی به مسأله کنند و برای مدیریت آن تلاش نمایند.

### مدیریت تعارض اقتصادی در سیره نبوی

شناخت عوامل اختلاف‌آفرین برای مدیران ضروری است؛ زیرا با شناخت این بسترها، برنامه‌ریزی برای جلوگیری از بروز پیامدهای منفی امکان‌پذیر می‌گردد. پس از حضور پیامبر (ص) در مدینه، زمام‌داری شهر در اختیار ایشان قرار گرفت. بسترهای بروز تعارض و درگیری در فضای آن روز مدینه، هر لحظه امکان بروز اختلافی را فراهم می‌آورد، لذا شایسته می‌نمود پیامبر (ص) برای مدیریت عوامل اختلاف‌آفرین و تنش‌زا اقدام نمایند. در این میان، مدیریت اقتصاد برای جلوگیری از بروز تنش، به سبب عوامل اقتصادی جایگاه ویژه‌ای داشت. در این نوشتار برآنیم تا نگاهی به اقدامات و تکنیک‌های حضرت در زمینه مدیریت اقتصادی برای جلوگیری از بروز تعارض و تنش، الگویی اسلامی در کنترل تعارض‌های اقتصادی ارائه گردد.

گفتنی است بحث‌های مدیریت تعارض در آثار دانشمندان غربی، مبتنی بر سازمان

است. از آن جا که این بحث را در سطح جامعه مطرح می‌کنیم، لذا سعی نداریم دیدگاه‌ها و فرضیه‌های موجود را بر بحث منطبق سازیم، بلکه تلاش می‌کنیم با نگاهی به اقدامات پیامبر(ص) فعالیت‌های ایشان را در این مسأله به تصویر کشیم. در زمینه مدیریت تعارض‌های اقتصادی پیامبر(ص) فعالیت‌های ایشان را این‌گونه می‌توان تقسیم‌بندی نمود:

### ۱. اقدامات پیش‌گیرانه پیامبر(ص)

اقداماتی برای جلوگیری از بروز تنش و اختلاف انجام گرفت که عبارتند از:

#### ۱-۱- تشویق به کار و تلاش برای کسب روزی

طبع آدمی خاصه در امور اقتصادی و کسب درآمد، از سختی گریزان و به راحتی متمایل است. انسان خواهان تلاش کم‌تر و کسب سود بیش‌تر است. این مسأله اگر در جامعه‌ای رشد کند و نهادینه شود، تعارض و درگیری جزء لاینفک اقتصاد آن جامعه خواهد شد و هر لحظه انتظار می‌رود بازار و امور اقتصادی آنان با تنش رو به رو گردد. با توجه به این امر، پیامبر(ص) فراوان مسلمانان را به تلاش برای روزی پاکیزه فرا می‌خواندند.

ایشان علاوه بر آن که به دست آوردن روزی حلال را بر هر زن و مرد مسلمانی واجب می‌دانستند (شعیری، ۱۴۰۵، ۱۳۹) تلاشگر در راه تأمین معاش خانواده را هم‌رتبه مجاهد در راه خدا برمی‌شمردند. (حلی، ۱۴۰۷: ۸۲) حضرت در این زمینه می‌فرمایند: دعای چند گروه مستجاب نمی‌شود. ... از جمله فردی که به دنبال روزی نرود و بگوید: «خداوندا به من روزی عنایت کن.» خداوند در جواب دعای او می‌فرماید: «بنده من! راه را بر تو نیستم و تو را سالم نمودم و زمین من هم وسیع است، چرا بیرون نمی‌روی و طلب روزی نمی‌کنی.» (حمیری، بی‌تا، ج ۱: ۳۹)

هم‌چنین فرمودند: «خداوند بنده مؤمن دارای حرفه و شغل را دوست دارد.» (پاینده، ۱۳۸۲: ۳۰۵) ایشان چنان به کار و تلاش برای کسب روزی اهمیت می‌دادند که هر گاه فردی در نظر ایشان نیکو می‌آمد، ابتدا از شغل او سؤال می‌کردند، اگر شغلی نداشت، می‌فرمودند: «از چشمم افتاد!» آن گاه در جواب این نوع نگاه می‌گفتند: «زیرا مؤمن وقتی بیکار باشد، دین خود را اسباب معیشت قرار می‌دهد.» (شعیری، ۱۴۰۵: ۱۳۹)

پیامبر(ص) خود به عنوان الگوی جامعه، به امر زراعت اشتغال داشتند. امام صادق(ع)



می فرمایند: «علی(ع) و پیامبر(ص) زراعت می کردند. علی(ع) زمین را بیل می زد و رسول خدا(ص) هسته خرما در زمین می نهادند». (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۷۴) در گزارشی دیگر، ایشان را دیدند که می کوشیدند تا آب را به زمین زراعی برسانند. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۷۵) البته باید توجه نمود که اهتمام حضرت بر کسب روزی حلال است. ایشان در حدیثی قدسی، عبادت را ده جزء معرفی فرمودند که نه جزء آن طلب روزی حلال است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴: ۲۷) هم چنین طلب روزی حلال را بر هر زن و مرد مسلمانی واجب دانسته اند. (شعیری، ۱۴۰۵: ۱۳۹)

اهمیت دادن به کار و تلاش و تشویق مسلمانان به این امر، با توجه به اوضاع اقتصادی سخت آن روزهای مدینه، نشان می دهد که حضرت می کوشیدند جامعه را از پیامدهای بیکاری برهانند و در جامعه ای که بر پایه کشاورزی و دامداری استوار بود، کار و تلاش را نهادینه نمایند.

#### ۲-۱- تلاش معنوی برای کسب روزی مادی

در رهنمودهای پیامبر(ص) در کنار تلاش بدنی برای کسب روزی، از تلاش معنوی هم سخن به میان آمده است. در سخنان ایشان توکل بر خدا (شعیری، ۱۴۰۵: ۱۱۷)، دعا و درخواست از محضر الهی (طبرسی، ۱۳۷۰: ۲۷)، امانت داری (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۱۳۳)، صدقه (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۴۵) و استغفار(اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۱۵۷) از راه های معنوی جلب روزی برشمرده شده اند. هم چنین تعدی به حقوق دیگران (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۴: ۱۵) و خیانت (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۱۳۳)، از اسباب بازدارنده روزی دانسته شده است.

#### ۳-۱- میانه روی و پرهیز از اسراف و تبذیر

اعتدال و میانه روی در امور، به ویژه امور اقتصادی امری پسندیده است. چه سختی ها که بر اثر رعایت نکردن اعتدال در زندگی پدید نمی آید! امام علی (ع) در وصف پیامبر(ص) می فرماید: «راه و رسم زندگی او میانه روی بود» (دستی، ۱۳۷۹: ۱۷۷) پیامبر(ص) مردم را به میانه روی فرامی خواند. (پاینده، ۱۳۸۲: ۳۶۵) و در همین زمینه فرمودند: «خداوند دعای کسی را که تمام دارایی خود را در راه خدا انفاق کند و چیزی برای خود نگاه نداشته باشد، آن گاه از خدا بخواهد که به او روزی دهد، مستجاب نمی کند و در جواب دعای او می فرماید: "مگر من به تو ثروت ندادم، چرا میانه روی نکردی و اسراف نمودی؟"» (حمیری، بی تا، ج ۱: ۳۹) این همه تأکید بر

میان‌روی در وضعیت آن روز جامعه اسلامی برای چیست؟ خداوند در آیه *وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعَدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا* (اسراء: ۲۹)، رسولش را به میان‌روی در انفاق و بخشش فرامی‌خواند. در شأن نزول این آیه، سخن از بخشش فراوان پیامبر(ص) به میان آمده است. (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۹۰-۹۲) آن حضرت حتی هنگام تناول خرما، از دور ریختن هسته‌های آن پرهیز می‌کردند و آن‌ها را به مصرف حیوانات می‌رساندند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶: ۲۴۴)

#### ۴-۱- قرض الحسنه

فراوان اتفاق می‌افتد که نیازی برای انسان پدید می‌آید و در آن زمان، توانایی رفع آن نیاز را ندارد و او را لازم می‌آید که دست نیاز به سوی دیگری دراز کند. رواج سنت پسندیده قرض الحسنه در جامعه، می‌تواند هم او را از ربا خلاص نماید و هم شأن اجتماعی او در جامعه حفظ شود. این سنت حسنه به قدری در میان مسلمانان رواج داشت که نیازی به توضیح بیش‌تر نیست لذا به ذکر چند نمونه بسنده می‌شود:

پیامبر(ص) هر گاه قرضی می‌گرفتند آن را به شکلی بهتر ادا می‌کردند. (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۳: ۲۸۴) امام صادق(ع) فرموده‌اند: «قرض و عاریه و مهمان‌نوازی از سنت شمرده شده است». (تمیمی مغربی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۴۸۹)

#### ۵-۱- انفاق

گروهی از افراد جامعه به دلیل موقعیت بهتر اجتماعی و خانوادگی، از مواهب بیش‌تری بهره دارند و در مقابل، گروهی دیگر به دلایل مختلف، با مشکلات اقتصادی دست به گریبان هستند. انفاق سنت پسندیده‌ای است که علاوه بر جلب رضایت الهی، به تأمین احتیاج‌های تهی‌دستان جامعه می‌انجامد. سفارش‌های پیامبر(ص) و رفتار ایشان در این زمینه، به گونه‌ای در جامعه اثر نهاده بود که انفاق در جامعه نهادینه گردید. (ترمذی، بی‌تا: ۲۰۱) روزی مردی نزد حضرت آمد و چیزی خواست. ایشان فرمودند: «اکنون چیزی موجود نیست، هر چه خواهی بر عهده من خریداری کن، وقتی مالی رسید ادا می‌کنم». مردی از مهاجران که آن‌جا حاضر بود، این رفتار را برنتافته، گفت: «ای رسول خدا(ص) خداوند تو را به آن‌چه توانایی نداری مکلف نساخته است!» پیامبر(ص) آزرده گشتند و گفتار او را مکروه دانستند. در این هنگام مردی از انصار عرض کرد: «ای رسول خدا(ص) هر چه می‌خواهی ببخش که از جانب صاحب عرش کمبودی نخواهی داشت». حضرت

تبسم نمودند و فرمودند: «خدایم مرا به چنین کاری فرمان داده است». (همان) گروهی از مسلمانان که از وسعت رزق بیش تری بهره‌مند بودند، هنگام کمک در راه خدا مبالغه زیادی اعطا می‌کردند و برخی که توان مالی نداشتند خود را به اندک هدیه‌ای، در صدقات شریک می‌ساختند و رضای خدا را می‌جستند. این مطلب در زمان آماده‌سازی سپاه اسلام در نبرد تبوک بیش تر جلوه کرد. برخی کیسه‌ای درهم یا دینار آورده بودند و شخصی حاصل مزد یک روز خود را که دو صاع خرما بود تقسیم کرده، نیمی را به خانواده خود اختصاص داد و نیم دیگر را در راه خدا هدیه آورد. منافقان، گروه اول را به ریا و تزویر متهم می‌کردند و صدقات گروه دیگر را بی‌ارزش می‌خواندند و بر آن‌ها خرده می‌گرفتند. (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۱۰۶۹ - ۱۰۶۸) خداوند رفتار طعنه‌زنندگان را برتافت و آنان را به عذابی دردناک چنین وعده داد: الَّذِينَ يَلْمُزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ. (توبه: ۷۹) این آیه، به رفتار و عذاب وعده داده شده اشاره دارد. (طوسی، بی‌تا، ج ۵: ۲۶۶ - ۲۶۷)

#### ۱-۶- رسیدگی به تهی‌دستان

هر مهاجری که وارد مدینه می‌شد، در صورت داشتن آشنایی از انصار در آن شهر، بر او وارد می‌شد و گرنه در صفا منزل می‌گرفت. (ذهبی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۴۰۰) صفا مکانی در کنار مسجد پیامبر (ص) به شمار می‌آمد که برای اسکان افراد فاقد مسکن در نظر گرفته شده بود. اینان بیش تر افراد تهی‌دست بودند که با کمک‌های پیامبر (ص) و سایر مسلمانان روزگار می‌گذرانیدند. (ابن سعد، ۱۴۱۸، ج ۱: ۱۹۶) در منابع آمده که پیامبر (ص) از آن‌ها با خرما پذیرایی می‌نمودند. (ذهبی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۴۰۰) هم‌چنین آن‌گاه که برای حضرتش خرما هدیه یا صدقه می‌فرستادند، ایشان اگر آن خرما صدقه بود آن را برای اصحاب صفا می‌فرستد و اگر هدیه بود اصحاب صفا را دعوت می‌کرد تا از آن تناول کنند (ابن سعد ۱۴۱۸، ج ۱: ۲۹۷). در تفسیر آیه لِفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْضِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِحْفَافًا وَمَا تَنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ (بقره: ۲۷۳) آمده که این آیه درباره اصحاب صفا است که حدود چهارصد نفر مرد بودند. خداوند در این آیه، دستور می‌دهد که به این‌گونه افراد رسیدگی شود. لذا ثروتمندان بودند این افراد را شب به منزل خود دعوت می‌کردند. (طبرسی ۱۳۷۷، ج ۱: ۴۹)

### ۷-۱- تحریم خروج پول از گردش مالی و اندوختن دینار و درهم

از جمله ضربه‌های اقتصادی به جامعه، آن است که برخی ثروت خود را از گردش در بازار حذف می‌کنند و آن را در گوشه‌ای ذخیره می‌کنند. این عمل، باعث می‌سازند نظم بازار به هم بریزد، خاصه در زمانی که پول در جامعه محدود باشد. در آیه ۳۴ سوره توبه به افرادی که درهم و دینار می‌اندوزند و در راه خدا انفاق نمی‌کنند وعده عذاب داده شده است. این مسأله زمانی بیش تر رخ می‌نماید که بدانیم در عصر نبوی، سکه‌های رایج از جنس طلا و نقره بود و سکه‌ها علاوه بر ارزش پولی، جایگاه اندوختگی به عنوان ذخیره و گنجینه را هم داشت.

### ۸-۱- نهی از احتکار

احتکار امری است که بازار را به چالش می‌کشد و مسلمانان را در تأمین معاش با مشکل مواجه می‌کند. پیامبر(ص) مسلمانان را از این عمل برحذر می‌داشتند. (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۳: ۲۶۶) هم‌چنین ایشان فرد مختکر را دور از رحمت خدا می‌دانستند. (صدوق ۱۴۰۴، ج ۳: ۲۶۵)

### ۹-۱- وقف

کارکرد اقتصادی سنت حسنه وقف بر کسی پوشیده نیست. پیامبر(ص) خود در این امر پیش قدم بودند. حضرت باغ‌هایی را که مخیرق یهودی پس از مسلمان شدنش به پیامبر(ص) بخشید، وقف بنی‌هاشم نمودند. در منابع تاریخی، از زمین‌هایی با عنوان صدقات رسول الله (ص) نام برده شده است. علامه مجلسی در کتاب *بحارالانوار*، بایی با عنوان صدقات و اوقاف رسول خدا(ص) آورده که به این مسأله اختصاص دارد.

### ۱۰-۱- پیامبر(ص) الگوی رفتار مناسب اقتصادی

مسلمانان در سال‌های آغازین حکومت اسلامی در مدینه، به دلایل سیاسی و اجتماعی با وضعیت خاص اقتصادی روبه‌رو بودند. حضرت ختمی مرتبت(ص) به عنوان رهبر این جامعه، به گونه‌ای زندگی می‌کردند تا مسلمانان با الگوگیری از ایشان بتوانند بر سختی‌ها فایق آیند. خوراک ایشان هم‌چون خوراک مردم عادی(طبرسی، ۱۳۷۰: ۲۹) و غالباً از نان جو و خرما بود (طوسی، ۱۴۱۴: ۶۸۱)؛ و لباس ساده بر تن می‌کردند. (مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۲: ۲۸۹) وسایل خانه‌شان نیز به قدری ساده و کم بود که گاه ناکافی می‌نمود. برای

مثال، فردی از انصار مقداری خرما برای ایشان هدیه فرستاد. در خانه حضرت ظرفی یافت نشد تا خرماها را در آن بریزند، از این رو زمین را تمیز کرده، فرمودند: «بریز «این جا» (مجلسی ۱۴۰۳، ج ۱۶: ۲۸۳) زیراندازی از حصیر داشتند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶: ۲۸۲) و گاه از عبا به عنوان زیرانداز استفاده می کردند (صدوق، ۱۴۰۰: ۴۶۶) و پوستی پر شده از لیف خرما بالش سرشان بود (همان). فراوان در راه خدا می بخشیدند و چیزی را برای آینده ذخیره نمی کردند (ترمذی، بی تا: ۲۴۴). این روش والاترین رهبر الهی بود که هر چند می توانستند چون اغنیاء روزگار سپری کنند، مانند مردم عادی تحت حکومت خود زندگی می کردند تا مردم با ایشان همدل و هم‌نوا باشند.

#### ۱۱-۱- ارزش دادن به کارگر

به طور معمول ارزش کار کارگران و چه بسا شخصیت آن‌ها در جامعه نادیده انگاشته می‌شود. با اندک تاملی درمی‌یابیم که جامعه کارگری با چه معضلاتی روبه‌روست و چه تعارضاتی با حق و حقوق او در میان است.

پیامبر (ص) کارگری را که خوب کار می‌کرد تشویق و سفارش می‌فرمودند تا عرق کارگر خشک نشده، مزد او را بپردازند. (پاینده، ۱۳۸۲: ۲۲۱) هم‌چنین می‌فرمودند: «کسی که مزد کارگر را ندهد و بر او ظلم نماید، عملش پوچ و بوی بهشت بر او حرام می‌گردد، در حالی که بوی بهشت از پانصد سال راه به مشام می‌رسد». (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶، ج ۱۳: ۳۹) زمانی که حضرت از غزوه تبوک باز می‌گشتند، سعد انصاری به پیشواز آمد. رسول خدا (ص) بر دست‌های او اثر زخم دیدند و علت را جویا شدند. سعد گفت: «بیل و کلنگ می‌زنم و معاش خانواده‌ام را تأمین می‌کنم». پیامبر (ص) بر دست او بوسه زدند و فرمودند: «این دستی است که آتش به او نخواهد رسید». (عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۳: ۷۲)

#### ۱۲-۱- نهی از تکدی‌گری

گدایی کردن و معاش خود را بر دوش دیگری انداختن، از اموری است که پیامبر (ص) به شدت از آن نهی می‌کردند ایشان می‌فرمایند: «هر کس آن قدر مال داشته باشد که محتاج نباشد و از دیگری درخواست مالی کند، آتش جهنم را برای خود زیاد کرده است.» در جای دیگر، درخواست از دیگران بدون نیاز مالی را با خوردن شراب یکی دانسته‌اند. (پاینده، ۱۳۸۲: ۷۶۷) نزد پیامبر (ص) گفتند: «فلانی زیاد نماز می‌خواند و روزه می‌گیرد.» پرسیدند: «پس چه کسی خرجی او را می‌دهد؟» گفتند: «همه ما!» فرمودند: «همه شما از

او برترید» (برهانیان، ۱۳۸۵: ۱۵۲) روزی فردی از انصار از فقر به حضرت شکایت کرد و گفت: «ممکن است تا برگردم، کسی از اهل منزلم بر اثر گرسنگی تلف شود.» پیامبر(ص) فرمودند: «به خانه برگرد و ببین چیزی در آن یافت می‌شود.» مرد انصاری با خود فرش پاره‌ای و قدحی آورد. حضرت امر کردند آن‌ها را بفروشد و با نیمی از پول فروش، برای خانه‌اش خوراکی فراهم سازد و با نیم دیگر تبری تهیه کند. آن‌گاه از او خواستند تا به اطراف مدینه رفته، هیزم جمع کند و تا ده روز نزد پیامبر(ص) نیاید. هنگامی که مرد انصاری بازگشت گفت: «ای رسول خدا(ص) در فرمانی که دادید برکت نهفته بود!» (برهانیان، ۱۳۸۵: ۱۵۳)

#### ۱-۱۲- تولید

پایه اقتصاد هر جامعه‌ای بر تولید است. اگر تنها به مصرف روی آورده شود، جامعه وابسته خواهد شد. از آن‌جا که پایه اقتصاد مدینه بر زراعت بود، پیامبر(ص) به کشاورزی توجه ویژه داشتند. لذا هر کس که به احیاء زمین مواتی اقدام می‌کرد، زمین را مالک می‌شد. (پاینده، ۱۳۸۲: ۳۶۶) آن حضرت می‌فرمایند: «هر کس به امید ثواب و یاری خداوند بر آبادانی زمین بایری اقدام کند، بر خداوند است که وی را یاری کند و به او ثواب عطا نماید.» (پاینده، ۱۳۸۲: ۴۱۹) در اهمیت زراعت نخل در مدینه، همین بس که بردگان برای آزادی، با مولای خود بر سر کاشتن نخل معامله می‌کردند. (بختیاری، ۱۳۸۴: ۱۶۴) مهاجران در گسترش کشت گندم در مدینه نقش داشتند و طلحه بن عبیدالله تمیمی، نخستین کسی بود که در وادی قنات در شمال مدینه گندم کاشت. (پاینده، ۱۳۸۲: ۱۶۵) پیامبر(ص) بخشی از زمین‌های بایر مدینه را به مهاجران واگذار کردند تا هم زمین‌ها احیا شود و هم امورات آنان بگذرد. (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱: ۲۷۰)

#### ۲. اقدامات پیامبر(ص) در رویارویی با تنش‌های اقتصادی

گاه بر اثر بروز اختلاف، کار به تنش و برخورد می‌کشد. اگر برخورد مناسبی با تنش روی داده انجام نگیرد، امکان بروز پیامدهای منفی وجود خواهد داشت. برخی از فعالیت‌های حضرت هنگام مواجهه با تنش‌های اقتصادی عبارت بودند از:

#### ۲-۱- مهلت به بدهکار، پرداخت به موقع دین

از جمله معضلات اقتصادی که بسیار هم به درگیری کشیده می‌شود، مسأله بدهکار و

طلب کار است. پیامبر(ص) به این امر حساسیت فراوان داشتند. از سویی بدهکاران را تشویق می نمودند تا دین خود را سر وقت بپردازند و از سوی دیگر، از طلب کاران می خواستند تا به مدیون فرصت و مهلت دهند. روزی بر فراز منبر فرمودند: «حاضران به غایبان برسازند، هر کس مدیون بیچاره خود را مهلت دهد، خدا به اندازه روزهایی که مال خود را وصول نکرده است به او ثواب صدقه عطا خواهد کرد». (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴: ۳۵-۳۶) فردی به نام کعب، بدهکار خود را در مسجد یافت، او را در مسجد نگاه داشت تا قرضش را بپردازد. پیامبر(ص) در حالی که برای استراحت به منزل می رفتند، ماجرا را دیدند. ایشان پس از مدتی پرده حجره خود را کنار زدند و پرسیدند: «شما تا حالا نشسته اید؟» آن گاه کعب را راهنمایی کردند که نصف طلب خود را بگیرد. کعب گوید: «من نصف طلب خود را گرفتم و نصف دیگر را رها کردم» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴: ۳۵) آمده است جنازه مسلمانی را آوردند تا پیامبر (ص) بر آن نماز گزارند. حضرت از نماز ابا نمودند و علت را بدهکار بودن متوفی بیان کردند. اما هنگامی که ابوقتاده ضمانت دین او را بر عهده گرفت، پیامبر(ص) بر او نماز خواندند. (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۳۲۲) بنا به نقل امام علی(ع) فردی یهودی برای گرفتن طلب خود نزد پیامبر(ص) آمد و با وجود آن که حضرت در آن لحظه فرمودند که توان پرداخت بدهی را ندارند، یهودی بر دریافت طلبش اصرار داشت و نزدیک یک شبانه روز حضرت را رها نکرد. برخی از اصحاب رفتار یهودی را برناتفتند و به تهدید وی روی آوردند. پیامبر(ص) اصحاب را از این نوع واکنش منع فرمودند و همراه یهودی بودند. این رفتار پیامبر(ص) سبب شد تا یهودی اظهار دارد که «من شما را بر طبق آموزه های تورات در مورد پیامبر آخرالزمان یافتیم؛ زیرا در تورات، شما به عنوان کسی معرفی شده اید که درشت خو و اهل ناسزا نیست.» سپس شهادتین گفت و اسلام آورد. (صدوق، ۱۴۰۰: ۴۶۵-۴۶۶)

## ۲-۲- جزای کم فروشان

گویا تاجران و معامله گران مدینه، در وزن و پیمانه کردن اجناس دقت کافی نداشتند. (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲: ۴۱۰) سرانجام آیاتی از قرآن، کم فروشی را نکوهید و کم فروشان را به عذاب وعید داد. (مطففین: ۱-۳) هر چند به ظاهر شاید این امر با پیامبر(ص) مرتبط نباشد، از آن جا که ایشان پیام آور وحی و مجری دستورهای الهی بودند، لذا در مواقع لزوم، خداوند دستورهای خاصی را که نیاز جامعه است، به رسولش وحی می فرمود و ایشان مسئول

ابلاغ و اجرای آن بودند.

## ۲-۳- برخورد با محتکران

حضرت چون با محتکران مواجه می‌شدند، دستور می‌دادند مال احتکارشده را به بازار برده، در انظار مردم قرار دهند تا به فروش رسد. (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۳: ۲۶۵)

## ۲-۴- مبارزه با امتیاز خواهی

گروه‌هایی به ویژه از نزدیکان مرکز قدرت، گاه به دنبال امتیاز خواهی و استفاده از موقعیت بهتر برای بهره‌گیری از منابع اقتصادی هستند. خانواده و بستگان رهبر و مدیر، یکی از کانون‌های حساس مدیریتی هستند. این اهمیت از چند جنبه است:

الف) از آن‌جا که به روال معمول قدرت و ثروت در اختیار یکی از اعضای این خانواده است، به تبع چشم طمع افراد وابسته به او خواهد بود. لذا اگر این مسأله کنترل نشود، سوء استفاده آن‌ها، تحقق عدالت را منتفی خواهد نمود.

ب) الگو بودن برای جامعه؛ مردم و زیردستان به بیت قدرت با نگاهی الگوپذیرانه می‌نگرند. اگر آن‌ها را از خود و مانند خود بدانند، بهتر فرمان‌برداری می‌کنند در غیر این صورت این بیت، الگویی برای واگرایی افراد جامعه خواهد بود. آیه یا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ إِنْ كُنْتُمْ تُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأُسَرِّحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا\* وَإِنْ كُنْتُمْ تُرِيدُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا. (احزاب: ۲۸ - ۲۹) به این نکته حساس در رهبری و مدیریت اشاره دارد. در شأن نزول این آیات گفته شده که برخی از همسران رسول خدا(ص) آن هنگام که اموالی در اختیار حضرت قرار گرفت، از ایشان تقاضا کردند که آن‌ها را نیز بهره‌ای نیکو دهد و بر رفاهشان بیفزاید. (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۱: ۹۹) حضرت که از عواقب این خواسته‌ها آگاه بودند، از خواسته‌های نابه‌جای آن‌ها سر باز زدند و به زندگی ساده قناعت کردند. این رفاه‌طلبی کار را به جایی رساند که پیامبر(ص) را آزرده و حضرت در واکنش به این رفتار همسران خود، از آن‌ها کناره گرفتند. سرانجام با نزول این آیات، انتخاب یکی از دو مسیر از همسران پیامبر(ص) خواسته شد: یا زندگی ساده و بی‌آلایش با پیامبر(ص) و پاداش آخرت؛ یا جدایی از حضرت و بهره‌دنیایی. (قمی ۱۳۶۷، ج ۲: ۱۹۲؛ طبری ۱۴۱۲، ج ۲۱: ۹۹) واکنش پیامبر(ص) به این ماجرا، نشان از آن دارد که این درخواست‌ها امری ساده نبوده است که با پند دادن کنار نهاده شود. گویا این افزون‌طلبی در رفتار آن‌ها تأثیر گذاشته بود که پیامبر(ص) برای تأدیشان به این اقدام



دست زدند.

## ۲-۵- رها نکردن مؤمن در روزهای سخت

روزگار همواره به یک منوال نمی‌گذرد. گاه به سببی مؤمنی نیاز مالی پیدا می‌کند. در این زمان است که مؤمنان نباید هم‌دیگر را بدون پشتوانه رها کنند. در معاهده‌ای که پیامبر(ص) میان مهاجران و انصار منعقد کردند، بر این نکته تأکید شده بود که مؤمنان نباید شخص آبرودار را به هنگام نیاز مالی رها کنند، بلکه باید نیاز او را رفع نمایند. (ابن‌هشام، بی‌تا، ج ۱: ۵۰۱) بازماندگان متوفیان تهی‌دست، با مشکلاتی عديده مواجهند: تأمین معاش از سویی و پرداخت بدهی متوفی از سوی دیگر. اگر به وضعیت این‌گونه افراد رسیدگی نشود، چه بسا دیگر نتوانند در زیر بار بدهی و معاش خود کمر راست کنند. پیامبر(ص) رسیدگی به این‌گونه افراد را وظیفه رهبر الهی جامعه می‌دانستند و خود به این کار اقدام می‌کردند. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۴۰۶)

## ۲-۶- رصد نیازهای گروه‌های جامعه

شناخت نیازهای افراد جامعه، این امکان را به مدیران می‌دهد تا با برنامه‌ریزی مناسب، از بروز مشکلات در آینده جلوگیری کنند.

هنگام مهاجرت مسلمانان مکه به مدینه، اوضاع بر وفق مراد نبود. پیامبر(ص) در ابتدا با ایجاد پیمان برادری میان مهاجران و انصار باعث گردیدند مقداری از آلام مهاجران کاسته شود. این پیوند، باعث گردید تا تعدادی از مهاجران بر برادرخوانده‌های خود از انصار وارد شوند. در نتیجه، مهاجران در خانه‌های انصار پراکنده شدند و انصار عهده‌دار برخی از مایحتاج اولیه اقتصادی مسلمانان گردیدند. در صورتی که پیش از آن، بیش‌تر در خانه «ام‌کلثوم بن هدم» و «سعد بن خيثمه» جمع بودند و گروهی نیز بر «بنی‌عبدالاشهل» و «بنی‌حارثه» وارد شده بودند (جزری، ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۰۶). در ماجرای دیگر، انصار به پیامبر(ص) اعلام داشتند که حاضرند بخشی از زمین‌های خود را به حضرت واگذارند تا ایشان آن‌ها را به مهاجران بدهد. حضرت این درخواست را نپذیرفتند. اما بخشی از زمین‌هایی را که از آن کسی نبود، برای مهاجران معین فرمودند. (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱: ۲۷۰) این اقدام، باعث شد گروهی از مهاجران به کشاورزی مشغول گردند و بار زندگی خویش را خود بر دوش کشند. پس از آن که قرار شد یهودیان بنی‌نضیر مدینه را ترک کنند، پیامبر(ص) انصار را جمع نمودند و درباره غنایم این جنگ از آنان نظر خواستند.

سرانجام این غنائیم میان مهاجران تقسیم شد تا بار زندگی آن‌ها از دوش انصار برداشته شود و مهاجران هم روی پای خود بایستند. این اقدام با رضایت انصار انجام شد تا اختلاف جدیدی پدید نیآورد. (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۷۹) در ضمن دو تن از آنان که وضع مالی خوبی نداشتند، از غنائیم بهره بردند. (ابن هشام، بی‌تا، ج ۲: ص ۱۹۲؛ یعقوبی، بی‌تا، ج ۲: ۴۹) با این کار، هم انصار از تنگنا خارج گردیدند و هم مهاجران امیدوار به ماندن در مدینه و استقلال مالی شدند.

در آغاز بازار مسلمانان در کنار بازار یهودیان بود. با قدرت‌گیری مسلمانان، یهودیان از این هم‌جواری ناراحت بودند. سرانجام روزی یکی از سران آن‌ها وارد بخش مسلمانان شد و با قطع طناب‌های آن، نظم بازار را به هم ریخت. این عمل باعث شد تا پیامبر(ص) تصمیم بگیرند بازار مسلمانان را به جای بهتری انتقال دهند. سرانجام مکانی در غرب مسجدالنبی برای این کار در نظر گرفته شد. این اقدام، باعث گردید تا بازار مسلمانان رونقی دوچندان یابد، زیرا موقعیت بهتری داشت و مسیر دسترسی کاروان‌های تجاری به آن بهتر بود. (بختیاری، ۱۳۸۴: ۱۶۶-۱۶۷)

#### ۷-۲- بهره‌گیری از اقتصاد در جهت اهداف اعتقادی

در پی تقسیم غنائیم نبرد حنین، حادثی رخ نمود. از جمله، مردی از همراهان حضرت اعتراض کرد: «ای رسول خدا، به عیینه بن حصن و اقرع بن حابس هر کدام یک‌صد شتر دادید، ولی به جعیل بن سراقه، از بزرگان قبیله غفاره، هیچ ندادید؟» پیامبر(ص) فرمودند: «به خدا قسم جعیل نزد من به تنهایی بهتر است از تمامی روی زمین که همگی مردمی چون عیینه و اقرع باشند! من این کار را برای آن انجام دادم که دل‌های آن‌ها متمایل به اسلام شود». (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۹۴۸؛ ابن هشام، بی‌تا، ج ۲: ۴۹۶) هنگام تقسیم غنائیم جنگ حنین، تازه مسلمانان قریش بهره فراوان نصیبشان شد ولی به انصار سهمی تعلق نگرفت. انصار از این اقدام ناراحت شدند و زبان به اعتراض گشودند و حتی پیامبر(ص) را به جانب‌داری از قوم خودش متهم کردند. سعد بن عباده (بزرگ خزرج) نزد پیامبر(ص) رفت و حضرت را از اعتراض‌های انصار آگاه ساخت. پیامبر(ص) به سعد دستور دادند تا انصار را در مکانی جمع کند. در این مجلس به جز تنی چند از مهاجران بقیه از انصار بودند که حضرت با آنان به گفت‌وگو پرداختند. حضرت با یادآوری نعمت‌های خدا بر انصار، به علت این تقسیم اشاره کرده می‌فرمودند: «ای گروه انصار! آیا به خاطر مختصری مال دنیا

که من خواستم به وسیله آن دل جمعی را به دست آورم تا اسلام آورند، در دل از من ناراحت شدید در صورتی که من شما را به همان اسلامتان واگذاشتم.» در آخر آنان راضی از اقدام پیامبر(ص) مجلس را ترک کردند. (ابن هشام، بی تا، ج ۲: ۴۹۹).

از غنایم حنین به عباس بن مرداس چهار شتر داده شد. وی که چنین دید زبان به گلایه و اعتراض گشود. او در ضمن سرودن اشعاری غنیمت خود را با سهم عینی بن حصن و اقرع بن حابس مقایسه کرد. آن گاه با گلایه از این تقسیم خود را کم تر از آن دو دانست. وی در بیت انتهایی خود پیامبر(ص) را خطاب کرده چنین گفت: «هر کس را که تو امروز پست کنی دیگر بلند نخواهد شد». هنگامی که پیامبر(ص) از اعتراض او آگاه شدند، وی را احضار فرمودند و به حضرت علی(ع) امر کردند تا زبان او را کوتاه سازد. عباس ناراحت شد و چون امام علی(ع) او را به بیرون هدایت کرد، از حضرت علی(ع) پرسید: «آیا زبان مرا خواهی بریدی؟» حضرت فرمود: «من مأموریت خود را انجام خواهم داد.» پس او را به محل نگهداری شترها برد و فرمود: «از چهار تا صد شتر، هر چه می خواهی انتخاب کن.» ابن مرداس خجالت زده گفت: «پدر و مادرم فدای شما! چقدر خانواده کریم بردبار و دانایی هستید.» حضرت علی(ع) فرمود: «رسول خدا(ص) تو را در ردیف مهاجران قرار داد و چهار شتر به تو عطا کرد. حال اختیار با توست.» ابن مرداس از حضرت علی(ع) راهنمایی خواست. حضرت فرمود: «به عطای پیامبر(ص) راضی باش.» او نیز پذیرفت و به همان تعداد اندک از شتران راضی شد. (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ج ۱: ۱۴۸ - ۱۴۶) طبق نقل واقدی به او پنجاه یا صد شتر دادند. (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۹۴۷). ابن اسحاق هم آورده است که به او عطای بیش تری داده شد. (ابن هشام، بی تا، ج ۲: ۴۹۴)

## ۲-۸- پاسخ گویی حکومت در برابر اقدامات کارگزاران و افراد خود

پیامبر(ص) پس از فتح مکه، خالد بن ولید را مأمور ساختند تا به نزد قبیله "بنی خذیمه" رود و آن ها را به آیین اسلام فرا خواند. خالد برخلاف دستور حضرت، در مقابل بنی خذیمه دست به قبضه شمشیر برد و خسارت های فراوان بر جای نهاد. برخی از این خسارت ها جنبه اقتصادی داشت. پیامبر(ص) از عمل خالد ناراحت شدند و از آن بیزاری جستند. آن گاه حضرت علی(ع) را روانه ساختند تا کار خالد را جبران نماید. امام علی(ع) نزد آنان رفتند و خون بهای کشته شدگان را پرداختند، غرامت وسایل و ملزومات زندگی آنان را که آسیب دیده یا نابود شده بود جبران کردند و مقداری اضافه نیز به آنان دادند که آسیب های

احتمالی نادیده انگاشته شده را جبران کرده باشند. (مفید، ۱۴۱۳، ج ۱: ۵۶ - ۵۵) این اقدام نشان می‌دهد که حکومت در قبال رفتار عاملان خود باید مسئول باشد و اگر کارگزاری به دلیل بی‌کفایتی، ضرر اقتصادی به افراد وارد کرد، جبران آن لازم می‌نماید وگرنه چه بسا رفتار کارگزاران حکومت خود تنشی جدید ایجاد نماید.

### نتیجه

از جمله بسترهای تعارض‌آفرین در جامعه، می‌توان به امور اقتصادی اشاره کرد؛ خاصه آنکه در موقعیت‌های ویژه باشد مانند سال‌های آغازین حکومت اسلامی در مدینه که مهاجرت، جنگ و ... بر سختی اوضاع می‌افزود و تنش‌های برآمده از مسائل اقتصادی بیش‌تر رخ می‌نمود. پیامبر(ص) با شناخت جامعه تحت رهبری خویش، تلاش نمودند تا با دادن راهنمایی‌های لازم، از بروز تعارض بر سر مسائل اقتصادی جلوگیری نمایند. به هنگام رخ دادن تنش به سبب امور اقتصادی نیز با بهره‌گیری از تکنیک‌های مناسب، سعی می‌کردند تا از درگیری جلوگیری نمایند. باید توجه داشت اگر تنش اقتصادی مدیریت نشود، گاه ممکن است بنیان‌های جامعه را با چالش مواجه کند. اما با توجه به اقدامات پیامبر(ص) جامعه مدینه با رهنمودها و اقدامات ایشان، به سلامت از چالش‌های فراروی خود عبور کرد بدون آن‌که از مسیر پیشرفت خود منحرف و یا در ادامه مسیر سست‌قدم شود.

## کتابنامه

- ابن سعد (۱۴۱۸). *طبقات الكبرى*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن هشام (بی تا). *سیره النبویه*، بیروت، دارالمعرفه.
- اربلی (۱۳۸۱). *کشف الغمه فی معرفه الائمه*، تبریز، بنی هاشمی.
- ابن الحسین، اسحاق (۱۴۰۸). *آکام المرجان فی ذکر المدائن المشهوره فی کل الزمان*، بیروت، عالم الكتاب.
- بختیاری، شهلا (۱۳۸۴). "وضع اقتصادی مدینه در عهد نبوی"، *فصل نامه تاریخ اسلام*، شماره ۲۳، سال ششم، پاییز، ص ۱۶۱-۱۹۶.
- برهانیان، عبدالحسین (۱۳۸۵). "نگاهی به سیره اقتصادی پیامبر (ص)"، *فصل نامه حصون*، شماره ۹، پاییز، ص ۱۴۳-۱۵۷.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷). *انساب الاشراف*، بیروت، دارالفکر.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). *نهج الفصاحه*، تهران، دنیای دانش.
- پژوهیان، جمشید (۱۳۸۹). *اقتصاد خرد*، تهران، پیام نور.
- ترمذی، ابو عیسی (بی تا). *الشمائل المحمدیه*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- تمیمی مغربی، ابوحنیفه نعمان بن محمد (۱۳۸۵). *دعائم الاسلام*، قم، آل البيت.
- جزری، ابن اثیر (۱۳۸۵). *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دارالصادر - دار بیروت.
- حلّی، ابن فهد (۱۴۰۹). *عده الداعی ونجاح الساعی*، قم، دارالکتاب اسلامی.
- حمیری، عبدالله بن جعفر (بی تا). *قرب الاسناد*، تهران، نینوا.
- دشتی، محمد (۱۳۷۹). *نهج البلاغه (ترجمه)*، قم، مشهور.
- دیلمی، حسن (۱۴۱۲). *ارشاد القلوب الی الصواب*، قم، رضی.
- ذهبی، شمس الدین محمد (۱۴۰۹). *تاریخ الاسلام ووفیات المشاهیر والاعلام*، بیروت، دارالکتاب العربی.
- رابینز، استیفن (۱۳۸۶). *تئوری سازمان*، مهدی الوانی و حسن دانایی فرد، تهران، صفار.

- (۱۳۸۹). رفتار سازمانی، علی پارسایان و محمد اعرابی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- رضایان، علی (۱۳۸۷). مدیریت تعارض و مذاکره، تهران، سمت.
- روزبهان، محمود (۱۳۸۷). تئوری اقتصاد کلان، تهران، تابان.
- سمهودی، علی بن احمد (۲۰۰۶). وفاء الوفاء باخبار دارالمصطفی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- شعیری، تاج‌الدین (۱۴۰۵). جامع الاخبار، قم، رضی.
- صدوق، محمد (۱۴۰۰). الامالی، بیروت، اعلمی.
- (۱۴۰۴). من لا یحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین.
- طبرسی، حسن (۱۳۷۰). مکارم الاخلاق، قم، رضی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷). جوامع الجامع، تهران، دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲). جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه.
- (۱۳۸۷). تاریخ الامم والملوک، بیروت، دارالتراث.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- (۱۴۱۴). الامالی، قم، دارالثقافه.
- (۱۳۸۷). المبسوط فی فقه الامامیه، تهران، المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.
- عجاج کرمی، احمد (۱۴۲۷). الإدارة فی عصر الرسول، قاهره، دارالسلام.
- عسقلانی، ابن حجر (۱۴۱۵). الاصابه فی تمییز الصحابه، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- فلاح‌زاده، حسین و حسین قاضی‌خانی، (۱۳۹۱). "بررسی تاریخی زمینه‌های بروز تعارض در مدینه‌النبی"، فصل‌نامه تاریخ اسلام، شماره ۴۹، بهار، ۱۳۹۱.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷). تفسیر قمی، قم، دارالکتب.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). *بحار الانوار*، بیروت، دارالحدیث.
- محمدی ری شهری و همکاران (۱۳۸۶). *حکمت نامه پیامبر اعظم*، قم، دارالحدیث.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳). *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، قم، کنگره شیخ مفید.
- مقریزی، تقی الدین (۱۴۲۰). *امتاع الاسماع بما للنبی من الاحوال والاموال والحفده والمتاع*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹). *المغازی*، بیروت، اعلمی.
- هج، ماری جو و آن آل کانلیف، (۱۳۸۹). *نظریه سازمان: مدرن، بنیادین - تفسیری و پست مدرن*، ترجمه حسن دانایی فرد، تهران، مؤسسه کتاب نشر مهربان.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (بی تا). *تاریخ یعقوبی*، قم، اهل بیت.
- (۱۴۲۲). *البلدان*، بیروت، دارالکتب العلمیه.